

ستیغ مران؛

نقش ایران در مقاومت یمن

مؤلف: جواد مددی



موسسه مطالعات اندیشه سازان نور
Andisheh Sazan-e Noor
Institute for Studies

تهران - اردیبهشت ۱۳۹۶

سرشناسه	: مددی، جواد، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: ستیغ مران: نقش ایران در مقاومت یمن / نویسنده جواد مددی.
مشخصات نشر	: تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۶۵ ص: جدول.
شابک	: 978-600-8438-10-6
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ۱۵۹ - ۱۶۵.
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: ایران -- روابط خارجی -- یمن (جمهوری)
موضوع	: جنبش انصارالله یمن
موضوع	: Iran - Foreign relations - Yemen (Republic)
موضوع	: یمن (جمهوری) -- روابط خارجی -- ایران
موضوع	: Yemen (Republic) - Foreign relations - Iran
موضوع	: یمن (جمهوری) -- تاریخ -- قرن ۲۱ م. -- جنبش‌ها و قیام‌ها
موضوع:	: Yemen (Republic) - History - 21st century - *Protest Movement
موضوع	: ایران -- تاریخ -- انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ -- تأثیر بر کشورهای اسلامی
موضوع:	: Iran - History - Islamic Revolution, 1979 - Influence on Islamic Countries
رده‌بندی کنگره	: DSR ۱۶۵۶
رده‌بندی دیویی	: ۷/۵۵ ۵۳۳۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶۲۳۹۳۷

www.asnoor.ir
Email:info@asnoor.ir

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور



نام کتاب: ستیغ مران؛ نقش ایران در مقاومت یمن

نویسنده: جواد مددی

ویراستار: مریم حمیدی

تایپ و صفحه‌آرایی: مرضیه روشن‌روان

طراح جلد: جواد حسین‌خانی

چاپ و صحافی: نقش رنگ خجستانگان

نوبت چاپ: اول - اردیبهشت ۱۳۹۶

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

کلیه حقوق این کتاب متعلق به مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور است.

سخن ناشر

هم‌زمان با آغاز تحولات بیداری اسلامی در خاورمیانه و شمال آفریقا، یمن نیز شاهد تظاهرات گسترده مردم علیه جریان حاکم و همچنین دخالت فزاینده سعودی‌ها در این کشور بود. با این حال اعتراضات سادات آیز انقلابیون یمنی که خواستار اصلاح وضع موجود بودند، با دخالت همه‌جانبه عربستان برای حفظ دستگاه حاکم وارد بحران شد؛ به نحوی که مقاومت انقلابیون یمنی با رهبری جنبش انصارالله در مخالفت با ریاست‌جمهوری عبدالربه منصور هادی، معاون رئیس‌جمهور مستعفی و دست‌نشانته سعودی در این کشور، با حمله نظامی عربستان و همراهی برخی از کشورهای عربی ملحقه پاسخ داده شد. توجیه عربستان برای این حمله نامشروع و غیرقانونی نیز همان بهانه همیشگی است، یعنی دخالت ایران در کشورهای منطقه است که این بار آن را در قالب نفوذ ایدئولوژیک تهران در یمن برای به حاکمیت رساندن جنبش انصارالله به رهبری عبدالملک حوثی در این کشور مطرح می‌کند.

در این میان رسانه‌های غربی و عربی نزدیک به سعودی نیز به امن روند دامن زده و انقلاب یمن را در ادامه انقلاب اسلامی ایران و جنبش انصارالله در نظر نماینده تهران در یمن معرفی کرده‌اند تا تحت القای این موضوع به نوعی برای حملات نظامی سعودی به یمن تحت حمایت سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و انگلیس و کشور مردم بی‌گناه این کشور مشروعیت بخشی کنند. این در حالی است که این کشور و رسانه‌های حامی آن، تاکنون هیچ مدرک و سندی مبنی بر ارائه کمک‌های مالی و تسلیحاتی ایران به انقلابیون یمنی به‌خصوص جنبش انصارالله ارائه نکرده‌اند.

اگرچه در خصوص اتهام دخالت جمهوری اسلامی ایران در یمن و به طور کلی بحران این کشور می‌توان دیدگاه‌های مختلفی را مورد تحلیل و واکاوی قرار داد، اما واقعیت آن است که نقش آفرینی ایران در روند انقلاب یمن، همچون سایر حوزه‌های سیاست خارجی

این کشور مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی با هدف بازگرداندن حقوق از دست رفته مردم یمن و رهایی از مداخله خارجی است که تحت حمایت‌های معنوی و سیاسی تهران صورت می‌پذیرد. این سیاست بر اساس ایجاد قابلیت استراتژیک‌سازی روابط با یمن بر مبنای تعلقات ژئوپلیتیک با محوریت گفتمان انقلاب اسلامی است. ابزار این سیاست نیز اثرگذاری نرم بر انقلابیون با در نظر گرفتن سابقه فرهنگی، تعلقات مذهبی یکسان و وجود دشمنان مشترک است.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور به منظور بررسی نقش ایران در مقاومت یمن، اقدام به انتشار کتاب «ستیغ مران» کرده است. کتاب حاضر بیانگر روند شکل‌گیری جنبش انصارالله، آنچه در گرو آن در اره نقش ایران در یمن می‌گویند و همچنین واقعیت‌های حضور و نفوذ ایران در یمن و حمایت از انقلاب مردمی این کشور به رهبری جنبش انصارالله است. بر این اساس، این کتاب حاضر می‌تواند تصویر روشنی از واقعیت‌های ارتباط و نقش ایران در مقاومت ملی و اسلامی مردم یمن به خواننده ارائه کند.

مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور

اردیبهشت ۱۳۹۶

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه
۱۷	فصل اول: روابط و رویکرد تاریخی ایران نسبت به یمن
۲۰	۱. پیشینه تاریخی یمن
۲۱	۲. جغرافیای یمن
۲۲	۳. ساختار حاکمیت و قوای حکومتی
۲۴	۴. اقتصاد یمن
۲۶	۵. ساختار اجتماعی یمن
۲۹	۶. موقعیت استراتژیک یمن
۳۰	۷. روابط یمن با ایران
۳۰	۷-۱. روابط در کشور پیش از انقلاب
۳۴	۷-۲. روابط دو سوره پس از انقلاب
۳۷	جمع‌بندی
۳۹	فصل دوم: نقش ایران در خیزش‌های مردمی شیعیان یمن
۴۱	۱. شیعیان یمن
۴۲	۲. تأثیر انقلاب اسلامی بر شیعیان یمن
۴۲	۲-۱. انقلاب اسلامی و تحول ژئوپلیتیک شیعه در یمن
۴۴	۲-۱-۱. احیاگر هویت تشیع در یمن
۴۶	۲-۱-۲. اقبال به نظریه سیاسی - اجتماعی شیعه
۴۸	۲-۱-۳. استکبارستیزی
۴۸	۳. آغاز خیزش شیعیان علیه دولت
۵۵	۴. نقش شیعیان یمن در تحولات بیداری اسلامی
۵۶	۴-۱. اولین جرقه‌های بیداری اسلامی در یمن
۵۹	۴-۲. عملکرد شیعیان یمن در روند تحولات انقلابی
۶۲	جمع‌بندی
۶۵	فصل سوم: جایگاه و اهمیت جنبش انصارالله در انقلاب یمن
۶۷	۱. سیر تاریخی شکل‌گیری جنبش انصارالله

۲. مبانی و ویژگی‌های جنبش انصارالله ۷۲
- ۲-۱. مبانی تاریخی زیدیه به عنوان جریان نظری و فکری انصارالله ۷۳
۳. اصول و عقاید جنبش انصارالله در یمن ۷۸
۴. اهمیت جنبش انصارالله در یمن ۸۲
۵. تحول در قدرت و نفوذ جنبش انصارالله در دهه اخیر ۸۴
۶. نقش انصارالله در رهبری تحولات انقلابی یمن ۸۶
- جمع‌بندی ۸۹

فصل چهارم: ایران و انقلاب یمن از نگاه دولت‌های غربی و عربی ۹۱

۱. تاثیر انقلاب یمن بر رقابت‌های منطقه‌ای ۹۳
۲. نقش ایران در انقلاب یمن از منظر دولت‌های منطقه ۹۷
- ۱-۱. عربستان سعودی و ادعای حمایت ایران از آشوب‌گری در یمن ۹۸
- ۲-۲. عمان، کشور معاد، خاورمیانه در روابط حسنه با تهران ۱۰۱
- ۲-۳. امارات متحده عربی، همراهی با ریاض ۱۰۲
- ۲-۴. ترکیه؛ حمایت از عربستان علیه تهران ۱۰۳
۳. نقش ایران در انقلاب یمن از منظر دولت‌های فرامنطقه‌ای ۱۰۵
- ۳-۱. آمریکا و انقلاب یمن، حمایت از عربستان علیه ایران ۱۰۶
- ۳-۲. چین و بحران یمن، در پرتو روابط با ایران و عربستان ۱۰۸
- ۳-۳. هم‌پوشانی استراتژیک روسیه و ایران در یمن ۱۱۰
- ۳-۴. هم‌پوشانی منافع روسیه و چین در بحران‌ها، خاورمیانه ۱۱۲
۴. دیدگاه رسانه‌های غربی و عربی در مورد نقش ایران در یمن ۱۱۳
۵. دلایل اتهام‌زنی‌ها به ایران در یمن ۱۱۵
- جمع‌بندی ۱۱۸

فصل پنجم: نقش ایران در انقلاب یمن ۱۱۹

۱. رویکرد و منافع امنیتی ایران در قبال خیزش‌های بیداری اسلامی ۱۲۱
۲. بیداری اسلامی و اهمیت یمن برای سیاست خارجی ایران ۱۲۵
- ۲-۱. تهدیدهای انقلاب یمن برای ایران ۱۲۶
- ۲-۲. منافع انقلاب یمن برای ایران ۱۲۸
- ۲-۳. رویکرد استراتژیک ایران به یمن ۱۳۱
۳. جایگاه شیعیان یمن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ با تأکید بر انصارالله ۱۳۶

۱۳۷	۳-۱. اهمیت انصارالله در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران
۱۴۱	۴. شکل و ماهیت حمایت ایران از انصارالله یمن
۱۴۲	۴-۱. اشکال حمایت ایران از انصارالله
۱۴۴	۴-۲. دلایل عدم کمک‌های نظامی به انصارالله
۱۴۶	۵. منطق کلی رفتار سیاست خارجی ایران در قبال انقلاب یمن
۱۵۰	جمع‌بندی

۱۵۳	نتیجه‌گیری
۱۵۹	منابع، مأخذ

مقدمه

منطقه استرالیای خاورمیانه در طول یک دهه اخیر به‌ویژه از سال ۲۰۰۳ و با جنگ‌افروزی ایالات متحده آمریکا، درگیر تحولات عمیقی شده است که روندهای مختلفی از قبیل ناکارآمدی و شکست‌های دولت‌های موجود در آن، شکل‌گیری گروه‌های قومی-مذهبی و هویتی فروملی و فاعلی و نیز افزایش سطح بازیگری قدرت‌های بین‌المللی در این منطقه، آن را تشدید کرده است. طی سال‌های اخیر نیز تحولات منتج به جنبش‌های اجتماعی در کشورهای منطقه بر وخامت اوضاع افزوده است. نقطه شروع این تحولات که بخشی از شمال آفریقا را نیز دربرگرفته است، در ۱۰ مارس ۲۰۱۰ با سوختن محمد البوعزیزی، جوان تحصیل‌کرده تونس شروع شد و این تحولات به سرعت به سایر کشورهای منطقه عمل کرد و پس از آن امواج جنبش‌های مشابه در دیگر کشورهای منطقه نیز سرازیر شد. نقطه اشتراک این جنبش‌های اعتراضی و انقلابی، مخالفت با حکام عربی بود که طی سالیان متمادی هم‌پیمان راهبردی غرب بودند. بر همین اساس نیز، بیشتر کشورهای غربی و کشورهای درگیر عربی دارای منافع مشترک با غرب به‌ویژه آمریکا، تغییر بهار^۱ یا بیداری عربی^۲ را برای این تحولات به کار می‌بردند. اما در نقطه مقابل این تعبیر، بسیاری از دولت‌ها و متفکران اسلامی به مانند جمهوری اسلامی ایران، وجه اسلامی و اسلامی‌خواهی و جاری کردن شریعت در اساس حکومتی را در جنبش‌های اخیر پررنگ‌تر دانسته و آن را بیداری اسلامی^۳ ارزیابی کرده‌اند.

این دو رویکرد متفاوت به ماهیت جنبش‌های ۲۰۱۱ در کشورهای مختلف که بیشتر از سوی عربستان و ایران مطرح شده‌اند، در برجسته شدن ابعاد منطقه‌ای این تحولات

1. Arab Spring

2. Arab Awakening

3. Islamic Awakening

نقش اساسی داشته است؛ به نحوی که این تحولات، علاوه بر ابعاد داخلی و متنی، بعد فرامتنی یافته و وضعیت ویژه‌ای را در چارچوب رقابت‌های منطقه‌ای حاکم کرده است. در این میان، تحولات انقلابی یمن در سال ۲۰۱۱، به دلیل وابستگی دولت سابق این کشور به عربستان و غرب از یک سو، و نقش آفرینی چشمگیر جنبش شیعی انصارالله در رهبری مخالفت‌ها علیه نظام حاکم در سوی دیگر، بیش از هر کشور درگیر بحران در خاورمیانه و شمال آفریقا، از زمینه‌های بروز این رقابت‌های منطقه‌ای برخوردار بوده است. به طوری که این تحولات، علاوه بر رقم زدن فرایندها و معادلات جدید در داخل یمن، در سطح منطقه‌ای نیز منجر به آغاز رقابتی نوین میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی شده است؛ رقابتی که جزئی از رقابت منطقه‌ای بزرگ‌تر دو کشور در حوزه‌های مختلف منطقه محسوب می‌شود.

بر همین اساس، در فضای نرسیده منطقه‌ای که ریاض و تهران جویای گسترش حوزه نفوذ و افزایش قدرت منطقه‌ای خود هستند، یمن به یکی از عرصه‌های این رقابت تبدیل شده است. ایجاد این فضای رقابتی، تا حد زیادی از نگرانی مقامات عربستان سعودی از افزایش نفوذ احتمالی ایران در یمن و به ویژه در میان حوثی‌ها و جنبش انصارالله در شمال این کشور ناشی می‌شود، که به زعم آن‌ها، می‌تواند در میان‌مدت به شکل‌گیری ساختار تشکیلاتی دیگری چون حزب‌الله لبنان در مرزهای جنوبی عربستان منجر شود؛ لذا ریاض تلاش می‌کند تا از انجام چنین روندی پیشگیری کند. این ذهنیت از آنجا ناشی شده است که ایران به دلیل پیوندی استراتژیک و ژئوپلیتیکی و مذهبی، در صدد حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش با رویکرد مستقیم است به غرب و متحدین آن و نیز همسو با منافع خود در منطقه است. چنین وضعیتی منجر به درکی که اعراب به واسطه سیاست‌های ایران‌هراسانه غرب از نفوذ و حضور ایران در جهان عرب دارند و آن را تهدیدی برای خود می‌دانند، خواه‌ناخواه منجر به تضاد منافع تهران و ریاض شده است.

در مجموع روندهای جاری به عاملی بدل شده است تا درباره نقش ایران در تحولات یمن، ادعاها و بزرگ‌نمایی‌های غیرواقعی با هدف ایران‌هراسی در سطح منطقه آغاز شود؛ به نحوی که، پس از آغاز تحولات بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۱، عربستان سعودی و کشورهای غربی سطح نفوذ ایران در یمن را به عنوان تهدیدی برای نظم و

ثبات منطقه‌ای جلوه داده‌اند. در این زمینه غالب توجهات به مناسبات مابین جنبش انصارالله یمن و ایران معطوف شده است. بیشتر نگرانی آنها نیز بر این مبنا استوار است که ایران مشغول فرماندهی و حمایت از مبارزات انصارالله علیه ائتلاف منصور هادی، رئیس‌جمهور مستعفی یمن و عربستان در جنگ علیه انقلابیون یمن بوده است و با کمک‌های نظامی و اقتصادی خود از آن حمایت می‌کند.

مصادق بارز این رویکرد ایران‌هراسانه در تحولات سال ۲۰۱۴ یمن مشاهده شد. در سپتامبر ۲۰۱۴، هنگامی که نیروهای انصارالله کنترل صنعا، پایتخت یمن، را به دست گرفتند، گروه‌های عربی حاشیه خلیج فارس و کارشناسان غربی ادعا کردند که ایران قصد دارد با «دور ایدئولوژی انقلابی خود، در سراسر خاورمیانه امپراتوری شیعه تأسیس کند. به علاوه، هم‌زمانی پیشروی انقلابیون یمنی به رهبری انصارالله با توافق هسته‌ای ایران با دولت ای غربی نیز مستمسکی برای افزایش این قبیل تحلیل‌ها فراهم آورد؛ چراکه برخی از ارباب خلیج فارس، موفقیت مذاکرات ایران را نقطه پایان انزوای تهران تلقی می‌کردند که باب ترسیم روابط گسسته ایران با غرب شده و تعمیق قدرت برتر منطقه‌ای این کشور را در پی خواهد داشت.

در نتیجه این روند و به‌ویژه بعد از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ،^۱ رئیس‌جمهور آمریکا در ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، مقامات سیاسی عربستان سعودی، با حمایت و همراهی آمریکا و رژیم صهیونیستی، تلاش‌های خود را برای ایجاد ائتلافی ضدایرانی آغاز کردند که اصطلاحاً به «اتحاد عربی» یا «ائتلاف عربی - عبری» معروف شده است. اظهارات عادل الجبیر،^۲ وزیر امور خارجه عربستان، در این راستا «ریاض باید در قالب ائتلافی بزرگ در مقابل نفوذ ایران و گسترده‌تر شدن محور تشیع در منطقه ایستادگی کند، در همین زمینه ارزیابی می‌شود. همچنان‌که در اظهارات مقامات سعودی، ویژه عادل الجبیر در چند سال گذشته، اتهام دخالت ایران در امور داخلی یمن و حمایت نظامی از انصارالله دائماً مطرح شده است. با توجه به این حجم از تبلیغات ضدایرانی، در شرایط حاضر این مسئله مطرح می‌شود که ایران چه نقشی در انقلاب یمن داشته است و در همین راستا، مناسبات تهران با انصارالله در سال‌های بعد از ۲۰۱۱ در چه سطوح و

محورهایی در جریان بوده است؟

برای نمایان شدن واقعیت‌های روابط ایران با انصارالله و گستره ایفای نقش ایران در یمن، ابتدا باید به مواردی توجه کرد که هم‌راستا با الگوی برآمده از اهداف انقلاب اسلامی و منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. نخست آنکه، ایران به دلیل پیوستگی‌های ژئوپلیتیک و ژئوکالچر خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس نمی‌تواند بازیگر بی‌طرف و خنثی باشد و از این‌رو این پیوستگی هم‌راستا با گسترش نفوذ معنوی ایران در منطقه و از جمله در یمن است. دوم آنکه، ایران در صدد تقویت و ارتقا جایگاه سیاسی و غیر سیاسی متحدان منطقه‌ای خود از جمله در یمن است. سوم اینکه، ایران در صدد ارتقای توان ایذایی خود در برابر رقبای منطقه‌ای است. چهارم آنکه، یافتن فضاهای فعالیت جدید برای بهره‌گیری از آنها در تعامل با رقبای متحدان منطقه‌ای از جمله در یمن حائز اهمیت است. پنجم آنکه، ایران به دلیل تک‌افتادگی، عضویت نداشتن در نهادهای امنیتی منطقه‌ای و اگذار نکردن نقش فعال به تهران توسط سایر قدرت‌های درون و برون منطقه‌ای، از اهمیت استراتژیک منطقه‌ای کنار نهاده شده و به‌ناچار باید راهبرد امنیت منطقه‌ای مختص به خود را برگزیند و در نهایت ششم اینکه، راهبرد کلان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای احترام متقابل به حریم حاکمیت ملی همسایگان بوده و هیچ‌گاه شاهد تعرض و حمله نظامی ایران به هیچ کشور دیگری نبوده‌ایم. با توجه به این مؤلفه‌ها، اگرچه تهران ناچار است در منطقه به‌اشتباه غرب آسیا، توان دفاعی خود را افزایش دهد، اما با نگاه به هزینه‌ها و بودجه‌های نظامی کشورهای عرب منطقه، نمایان می‌شود که ایران یکی از کشورهایی است که کمترین هزینه را در زمینه نظامی‌گری دارد؛ موضوعی که نشان می‌دهد ایران در چنددهه گذشته بر نفوذ نظامی و دخالت سخت‌افزاری در دیگر کشورها، معتقد نبوده است. به عبارتی، دیپلماسی صلح‌اول و رابطه دولت - دولت در راستای آرمان‌های انقلاب اسلامی در اولویت نبوده و دیپلماسی عمومی یا فرهنگی مقدم بر آن بوده است. لذا تمرکز تهران بر نفوذ معنوی و تأثیر بر اذهان مردم و شهروندان از طریق فراخواندن آنها به آزادی و استقلال عمل، و نه نفوذ از طریق توان و تهدید نظامی معطوف شده است. همچنان‌که این رویکرد در روند انقلاب یمن و نوع حمایت ایران از جنبش انصارالله نیز قابل مشاهده است.

در مجموع، با تأمل در این مفروضات و اهمیت جایگاه یمن برای ایران، در کتاب حاضر، تلاش شده است، ضمن بررسی روابط تاریخی و مناسبات دو کشور، به نقش ایران

در انقلاب یمن با محوریت سطح روابط تهران با انصارالله در بستر تحولات ۲۰۱۱ یمن، پرداخته شود. بر این اساس، کتاب حاضر در پنج فصل تنظیم و گردآوری شده است. فصل اول با عنوان «روابط و رویکرد تاریخی ایران نسبت به یمن» به خوانش و بررسی تاریخی و پیشینه روابط و مواضع ایران نسبت به یمن می‌پردازد. این فصل به دلیل دیدگاه تاریخی خود، کلید فهم و درگاه اصلی ورود به بحث است. با درک تاریخ روابط میان شیعیان یمن و جمهوری اسلامی ایران، می‌توان جوانب و پیچیدگی‌های تحولات و روابط فعلی خاورمیانه میان محور شیعیان منطقه با تأکید بر ایران و یمن را دریافت.

فصل دوم با عنوان «نقش ایران در خیزش‌های اسلامی شیعیان یمن» به بررسی دامنه کنش‌های انقلابی شیعیان یمن تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی ایران از دهه ۱۹۹۰ تا تحولات بیداری اسلامی ۲۰۱۱ اختصاص دارد.

در فصل سوم با عنوان «نمایگاه و اهمیت جنبش انصارالله در انقلاب یمن»، به تاریخ تشکیل، مبانی فکری و اهم فعال‌ها، این جنبش پرداخته می‌شود. در این فصل، همچنین به نقش انصارالله در سیر تحولات انقلابی یمن از ابتدا تا تحولات بیداری اسلامی پرداخته شده است.

فصل چهارم با عنوان «ایران و انقلاب یمن از نگاه دولت‌های غربی و عربی»، ضمن بررسی رویکردهای قدرت‌های منطقه‌ای بین‌المللی به تحولات یمن، به چگونگی نگاه این دولت‌ها و نقش ایران در انقلاب یمن می‌پردازد.

«نقش ایران در انقلاب یمن» عنوان فصل پنجم کتاب است. در این فصل به مواضع ایران نسبت به خیزش انقلابی شیعیان یمن و نوع تعاملات تهران با جنبش انصارالله پرداخته می‌شود.

فرجام سخن در این کتاب به نتیجه‌گیری و ارائه یافته‌ها اختصاص یافته است که شکل‌دهنده انسجام منطقی میان بخش‌های مختلف است.